

" بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدر امبارکه و ایادی امرالله و احبای جمال ابهی توجه به فرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند زیرا آیت الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احباء الله است و مبین آیات الله و مَنْ بَعْدَهُ بَكَرًا بَعْدَ بَكَرٍ یعنی در سلاله او ".
الواح وصایا ص

عنوان : " حضرت ولی امرالله "

قسمت روحانی

۱. مناجات (به انتخاب جمع)

۲. بیانات مبارکه (به انتخاب جمع)

قسمت اداری

۳. ولی امر

۴. اقدامات یکتا و بی نظیر حضرت ولی امرالله

۵. دو جانشین توأمان حضرت عبدالبهاء

۶. قسمتی از یادداشتهای روزانه امه البهاء روحیه خانم

۷. شور و مشورت و پیشنهاد

قسمت اجتماعی

۸. برنامه نوگلان بوستان الهی

۹. تنفس و پذیرائی

۱۰. مناجات خاتمه از آثار حضرت ولی عزیز امرالله

با تقدیم تحیات امنع ابهی امیدواریم همانند گذشته در ارائه خدمات خود به آستان الهی مؤید و موفق باشید . بسیار مسروریم که برنامه ای را تقدیم می نمائیم که به حیات مبارک حضرت ولی محبوب امرالله و زحمات و خدمات ایشان در دوره ولایت اختصاص یافته است . امید داریم با تلاش شما عزیزان احبای الهی بیش از پیش با این مولای مهربان آشنا گردیده و مقام ولی امر الهی را دریافت نمایند .

مطلب ذیل از سخنرانی جناب علی نخجوانی استخراج گردیده که به برخی از مفاهیم تازه که در آثار حضرت ولی امرالله آمده است اشاره می نماید . در صورت نیاز و اقتضاء فرصت می توانید این مطالب را در جمع مرور نمائید:

- تفاوت بین کور و دور بهائی و تقسیم دور بهائی به سه عصر و نحوه تقسیم هر عصر به عهود مختلفه

- تعیین هفت مرحله در پیشرفت جامعه های ملی امر بهائی که با " مجهولیت " آغاز و پس از مراحل " مقهوریت " و " انفصال از ادیان دیگر " به " استقلال " و بعد به " رسمیت ملی " و سرانجام به " تأسیس سلطنت الهیه " امر بهائی منجر خواهد شد .

- شناسائی سه مرحله در امر تبلیغ : گرویدن انفرادی ، گرویدن گروه های بزرگ و فوج فوج گرویدن مردم و گرویدن همگانی و دسته جمعی

- ...

توصیه می گردد در صورت امکان زمان مناسبی را به زیارت ادعیه و مناجات اختصاص دهید .

با رجای تأیید و توفیق

اول مارس ۱۸۹۷ بود. در بیت عبدالله پاشا کودکی پای به جهان نهاد که مقدر بود در سرنوشت جهان و جهانیان نقشی بیمانند ایفاء کند. تبارش از یک سو به حضرت بهاءالله و از سوی دیگر به حضرت باب می رسید ... تحصیلات صوری او در بیروت و آکسفورد نبود که او را برای ایفای نقش تاریخیش آماده کرد بلکه مراقبت حضرت عبدالبهاء در تربیت روحانی او ؛ غور و تعمق خود او در اقیانوس معارف بهائی و بالاخره الهاماتی که به عنوان ولی امرالله از درگاه الهی دریافت نمود همه در تشکّل شخصیت استثنائیش و در شکل گیری اندیشه جهان شمولش تأثیر قاطع داشت . خود آن حضرت مصاحبت حضرت ورقه مبارکه علیاء بهائیه خانم عمه مادر گرامی خویش را در جهت گیری افکار و خدمات خویش به تأثیری بسزا باز شناخته بود.

در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم جهانی که ارکان تمدن غرب را متزلزل نمود و همه اندیشمندان را دچار حیرت و سرگردانی کرد حضرتش طرح اجرائی نظام آینده عالم را که نیای بزرگوار و جد اعلای یکتایش پیش بینی و پی ریزی فرموده بودند نه تنها بر صفحه کاغذ بلکه بر صحنه اقدام و عمل منطبق کرد . تشکیلات محلی و ملی و تا حدودی بین المللی بهائی را که می بایست به عنوان پایه ها و ستون های نظم اداری در آینده محور و سرمشق الگویی نظم بدیع جهان آرای الهی قرار گیرد متدرجاً بوجود آورد و پیوسته هدایت فرمود و بدانجا رسانید که بتوان شش سال بعد از صعود او به ملکوت محبوب ، گنبد بیت العدل اعظم الهی مصدر کل خیر و مأمّن جامعه گمشده بشری را بر آن وضع کرد و مستقر داشت ... بدین ترتیب طفل نوزاد اول مارس ۱۸۹۷ تنها به خانواده خود و جامعه بهائی که در سایه ولایت او مدت ۳۶ سال از رشد و نمو و توسعه ای بی سابقه بهره مند گردید متعلق نبود ؛ به جامعه بشریت علی العموم تعلق داشت . او بود که با ساختن مقام اعلی ، محفظه آثار بین المللی بهائی و طراحی باغهای بهجی و حیفا مبانی نوینی را در زیبایی شناسی مطرح کرد... در طول سی و شش سال ولایت تا لحظه ای که قلب حساس و رئوف و جهان دوستش می طپید برای خیر بشریت و پیشرفت امر حضرت احدیت دقیقه ای آرام نگرفت و آنی استراحت ننمود و سرمشقی جاودانی بر جای نهاد که نه فقط امروز بلکه بی گمان در سالها و قرنهای آینده الهام بخش متفکران ؛ مصلحان و راهنمایان چند میلیارد مردم جهان خواهد بود.

پیام بهائی ش ۲۰۸ ص ۷-۵

۴. اقدامات یکتا و بی نظیر حضرت ولی امرالله

بین مقام حضرت ولی امرالله و مرکز میثاق هر قدر فاصله باشد نمی توان منکر شد که پس از صعود حضرت عبدالبهاء اقداماتی را که حضرت شوقی افندی مبذول فرمود در تاریخ امر بهائی یکتا و بی نظیر است و چنین مقام شامخی در تمام قرون و اعصار آتیه در حیات امرالله باقی و پایدار خواهد ماند. از چند نظر مهم می توان گفت که حضرت شوقی افندی مدت سی و شش سال دیگر رهبری و هدایت حضرت عبدالبهاء را در بنای نظم اداری و بسط و تحکیم امر حضرت بهاءالله امتداد بخشید. تصوّر این که اگر امر بهائی در دوره ای که از هر وقت دیگر آسیب پذیر تر بود، به دست توانای نفسی که به معنای کلمه ولی امرالله بود و حضرت عبدالبهاء او را برای چنین روزی تربیت فرموده بود اداره نمی شد به چه سرنوشتی دچار می شد، بسیار وحشتناک است... حضرت شوقی افندی در قیام بر وظائف خویش که در تاریخ سابقه ای نداشت، فقط از آثار بنیانگذاران امرالله و روش و شیم حضرت عبدالبهاء الهام و هدایت می جست. هیچ مشاوره نمی توانست ایشان را در تبیین آیات و معانی آثار مساعدت و در این وظیفه خطیر شرکت نماید؛ زیرا وظیفه تبیین فقط بر عهده ولی امرالله بود که ثقّه و اعتماد اهل بهاء را در بر داشت. حضرت شوقی افندی اگر چه کتاب های مورّخین و علمای اقتصاد و متفکرین سیاسی را بسیار مطالعه می فرمود، اما این مطالعه و نظر تنها می توانست مواد خامی را به دست دهد که بینش ملهم حضرتش متعاقباً می بایست تحت نظم در آورد. برای مجهّز ساختن جامعه متنوع و رنگارنگ بهائی شجاعت و اطمینان فراوانی لازم بود تا بتوان افراد آن جامعه را بر اجراء وظائف و اعمالی برانگیخت که با هر میزان که بسنجیم از حدّ استعداد و قدرتش بسیار بالاتر بود و فقط سرچشمه روحانی مخصوص ولی امرالله بود که این شجاعت و اطمینان را در قلب منیرش جاری می ساخت. هیچ ناظر بی طرفی که قرن بیستم را بررسی می نماید هر قدر هم که نسبت به دین شگاک باشد، چاره ای ندارد جز آن که اذعان کند که این جوان بیست و چند ساله مسؤولیت خطیری را که بر دوش داشت و فتوحاتی را که به دست آورد با اصالت و کمالی به انجام رسانید که منشأش جز نیروی روحانی که ذاتاً در امر بهائی نهفته است چیز دیگری نمی تواند باشد.

قرن انوار صص ۷۳ - ۷۱

۵. دو جانشین توأمان حضرت عبدالبهاء

حضرت ولی امرالله به پیروان امر بهائی تأکید فرمود که دو جانشین توأمان حضرت عبدالبهاء یعنی ولی امرالله و بیت العدل اعظم در اجراء وظائفی که هر یک بر عهده دارد "جدائی ناپذیر" و "مکمل" یکدیگرند. با وجود این حضرت شوقی افندی این واقعیت را قبول فرمود که بیت العدل اعظم را تشکیل نتوان داد مگر آن که سیر طولانی تشکیل محافل روحانی ملی و محلی که ظهیر و پشتیبان آنند طی شده باشد. لهذا به جامعه بهائی صریحاً تفهیم فرمود که ناچار فعلاً به تنهایی در غیاب بیت العدل اعظم باید به اجراء وظائف محوله اش پردازد:

"چنانچه بیت العدل اعظم که اساساً اهمیتش از ولایت امر کم تر نیست از آن منتزع گردد، نظم بدیع حضرت بهاءالله از جریان باز مانده و دیگر نمی تواند حدود و احکام غیر منصوصه تشریحی و اداری امرالله را که شارع اعظم متعمداً در کتاب اقدس نازل فرموده تکمیل نماید".

حضرت ولی امرالله با آگاهی از این حقیقت که بیت العدل اعظم هنوز تشکیل نشده به تنهایی امور محوله را تحت قیود و محدودیت های موجود با دقت و درستی ایفاء می فرمود و در این امر چنان وفائی را نمایان ساخت که موجب عبرت و افتخار پیروان حضرت بهاءالله طی قرون و اعصار آینده خواهد بود. کارنامه خدمات سی و شش ساله اش که به مانند روش جد بزرگوارش برای بررسی و ارزیابی در دسترس آیندگان است اثبات می نماید که حضرت شوقی افندی چنان که خود اهل بهاء را مطمئن ساخت هرگز قدمی برنداشت که سر موئی به "حریم مقدس و اختیارات منصوص" بیت العدل اعظم تجاوز نماید و نه تنها از تشریح قوانین امتناع ورزید بلکه حتی دستور های موقت صادره اش را موکول به تصویب و تصمیم بیت العدل اعظم می فرمود. این انضباط شخصی ایشان از همه بیشتر در موضوع اساسی جانشینی ولی امرالله نمایان می گردد. حضرت ولی امرالله فرزندی از خود نداشت و سایر اغصان عاقله مقدسه نقض عهد میثاق نموده بودند. در آیات و نصوص مقدسه موردی که چنین مطلبی را تشریح و حل نماید موجود نبود؛ اما در الواح وصایا مصرح است که چون نصی نباشد چگونه این معضلات را باید حل نمود: "آن

اعضاء (بیت العدل اعظم) در محلی اجتماع کنند و در آن چه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرّر یابد همان مانند نص است " .

لهذا با پیروی از این هدایت که از قلم مرکز میثاق نازل شده حضرت ولی امرالله در این موضوع سکوت اختیار فرمود و حلّ مشکل جانشین یا جانشینان ولی امرالله را به عهده هیأتی وا گذاشت که طبق نصوص مبارکه منحصرأ اختیار تصمیم در این مورد را به عهده دارد . در ۶ اکتبر ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم پنج ماه پس از تشکیلش به تمام محافل روحانیّه ملیّه ابلاغیّه ذیل را صادر فرمود : " بیت العدل اعظم متوجهاً مبتهلاً بعد از غور و تمعّن دقیق در نصوص مقدّسه مبارکه راجع به تعیین وصیّ حضرت شوقی افندی ربّانی ولی امرالله و بعد از مشاورات مفصّل ... به این نتیجه رسید که طریق تعیین ولیّ ثانی امر بهائی وصیّ حضرت شوقی افندی ربّانی به کلی مسدود و امکان تشریح قوانینی که تعیین منّ هُوَ بعده را میسر سازد بالمرّه مفقود است . "

قرن انوار صص ۷۱ و ۷۲

۶. قسمتی از یادداشتهای روزانه امه البهاء روحیه خانم

هر کس که حقیقت حال حضرت شوقی افندی را می دانست برای خاطر این وجود مبارک می گریست . بر خوبی و معصومیتشان می گریست . بر پاکی قلبشان می گریست . برای زحمات و مشقات ایشان در سالیان درازی که به تنهایی ثقل عظیم را حمل فرمودند می گریست . که چرا این قدر از دست اطرافیان خود مورد شماتت و ملامت و عذاب و مشقت مدام واقع شدند . چند روز قبل به اطاق من تشریف آوردند و دیگر حالی نداشتند . عرض شد آیا ممکن است وجود مبارک خود را به تدوین کتبی شبیه کتاب قرن مشغول بدارند . فرمودند وقت ندارم ؛ بیست سال است که وقت ندارم .

بی اندازه در مورد وجود نازنین نگرانم . در گذشته وقتی در زیر بار شکنجه و زحمت بودند البته در جمیع قوایشان مؤثر می افتاد ولی این ایام ... گاهی فکر می کنم که قبل از موعد معین این هیکل مقدس را هلاک کنند ... به سختی نفس می کشند . وقتی نفس می کشند مثل کسی می مانند که زیاد دویده باشد و سایه سیاه عظیمی زیر چشمانشان را گرفته . به فشار خود را برای اتمام رقائم آماده می فرمایند و این رقائم روز به روز زیادتر و اکنون توده ای در روی میز مبارک شده است . گاهی مطلبی را ده دفعه و کراراً مطالعه می فرمایند و آن قدر خسته اند که تمرکز قوا میسر نمی شود . شکنجه ای عظیم تر از این برای فردی چون کمینه در عالم انسان نیست که در برابر چشم خود می بینم که محبوب قلوب ما در رنج و شکنجه است و من کاری از دستم ساخته نیست .

گوهر یکتا صص ۳۴۸ - ۳۴۷

۱۰. مناجات خاتمه از آثار حضرت ولی عزیز امرالله

هو الله

یا مولائیَ الحَنونِ بنده خالص مخلص درگاهت را بر نشر نفحات قدسیه ات مؤید دار تا به بیانی فصیح و انجذابی بدیع و دلیلی قاطع و انقطاعی کامل امر عظیمت را گوشزد هر شریف و وضع نماید و تا آخر الحیوة بر این عمل جلیل لیلأ و نهراً قائم و ثابت بماند و از بندگانت و یاران با وفایت محسوب شود .

بنده آستانش شوقی

مجموعه مناجات حضرت ولی امرالله ص ۳۵ و ۳۶